



شماره صفحات: ۱۳۸-۱۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

دوفصلنامه علمی

پژوهشنامه تفسیر مقارن

سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

## واکاوی آفرینش شش‌روزه آسمان و زمین در تفاسیر فریقین

زهیرا مشایخی<sup>۱</sup>

یعقوب معصومی کریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

خلقت آسمان و زمین، چگونگی و مدت این خلقت از موضوعات مورد بحث در میان مفسرین شیعه و اهل سنت است و همین امر باعث اختلاف میان مفسرین و محققان فریقین شده است. قرآن کریم این موضوع را در آیات مختلف از جمله آیه ۵۴ سوره اعراف، ۳ یونس، ۷ هود و... بیان کرده است. هریک از مفسرین فریقین برای لفظ ایام در این آیات معنایی را در نظر گرفته‌اند؛ مرحله، ایام و روزهای دنیا و ایام و روزهای آخرت، بنابراین میان مفسرین فریقین در این زمینه اختلافات زیادی وجود دارد، به دلیل همین اختلاف پژوهشی با روش تحلیلی - توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای برطبق نظر قرآن صورت گرفته که در آن به بررسی موضوع خلقت آسمان و زمین و اینکه مقصود از ایام در این آیات چیست، پرداخته شده است و نظرات مفسرین شیعه و سنی مورد بررسی قرار گرفته است. نکته مهم دیگر اینکه خداوند این خلقت را تدریجی قرار داد، با اینکه می‌توانست طبق صریح آیات قرآن در یک چشم برهم زدن همه را بیافریند که برای این امر نیز از سوی مفسرین فریقین نظرات مختلفی بیان شده است.

**کلیدواژه‌ها:** خلقت، آسمان، زمین، سته ایام، تفسیر فریقین.

۱. طلبه سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه حضرت قاسم بن الحسن (علیه السلام)، تهران.

zoheira@yahoo.com

۲. استاد حوزه علمیه.

## مقدمه

قرآن کریم به عنوان معجزه جاودان الهی راهنمای همه انسان‌ها در هر عصر و زمانی بوده و هست. مسلمانان در هر برهه‌ای از زمان وقتی به قرآن مراجعه می‌کنند، قرآن برای آن‌ها درس‌های آموزنده‌ای خواهد داشت که آن‌ها را به سوی کمال نهایی و قرب الهی راهنمایی خواهد کرد. این کتاب در آیات بسیاری انسان را به تفکر در وجود خود و خلقت آسمان و زمین دعوت می‌کند و از انسان‌ها می‌خواهد برای اینکه خالق و مدبر امور را بشناسند، به خلقت خود و مجموعه هستی که در اطراف آن‌ها است توجه کنند. همین تمرکز و توجه باعث می‌شود انسان مؤمن بتواند در مقابل ملحدین و افراد بی‌دینی که خلقت جهان را تصادفی می‌دانند، پاسخی قاطع داشته باشد.

با تدبیر و تفکر در جهان هستی می‌توان پی به وجود خالق آن برد و خالق این جهان جز خداوند متعال کسی نیست، اما خداوند چگونه این جهان را خلق کرده؟ برای پاسخ به این سؤال بهترین منبع، قرآن است که به کرات پاسخ این سؤال را بیان فرموده است.

گرچه قرآن کریم درباره چگونگی خلقت آسمان و زمین و کیفیت و جزئیات آن به صراحت مطالبی بیان نکرده است، اما در بسیاری از آیات کریمه منشأ آفرینش جهان هستی و مخلوقات بیان شده است. مفسرین شیعه و اهل سنت در ذیل آیاتی که درباره خلقت جهان هستی و آفرینش انسان سخن گفته‌اند، مطالبی را به طور مفصل بیان می‌کنند، آن‌ها در آیاتی که خلقت را شش‌روزه بیان می‌کنند، مقصود از شش روز را با توجه به مذهب و عقیده‌ای که دارند، تبیین می‌نمایند. بعضی از مفسرین شیعه و اهل سنت ایام در این آیات را به شش روز هفته تعبیر کرده‌اند، برخی به روزهای آخرتی و عده‌ای آن را جزء امور غیبی می‌دانند که نباید در آن تفکر و تدبر کرد، بر همین اساس به بررسی این نظرات در تفاسیر فریقین پرداخته‌ایم.

اما نکته قابل توجه این است که خدای قادر و توانا که برطبق صریح آیات قرآن می‌تواند در یک چشم برهم زدن موجودی را خلق کند، چرا در آفرینش موجودات و آسمان و زمین تدریج و مرحله به مرحله بودن را در پیش گرفته است؟! چرا عالم وجود را در یک چشم برهم

زدن خلق نکرده و جهان هستی را در شش مرحله آفریده است؟! در پاسخ به این سؤال مفسرین فریقین مطالب بسیاری بیان کرده‌اند؛ از جمله اینکه خداوند جهان را به تدریج خلق نمود تا صاحبان خرد و اندیشه در آن تفکر کنند و از وجود خالق قادر و توانا آگاه شوند. برطبق روایات رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام)، راز خلقت تدریجی عالم، تفکر بشر در امور عالم است و اینکه این عالم تصادفی خلق نشده و همه چیز آن در هر جایی که قرار دارد، با تدبیر و حکمت است و هیچ چیز بیدلیل در جایی قرار نگرفته، اما مطلبی که در این خصوص قابل ذکر است، این است که در عالم ماده یک قانون کلی وجود دارد که در خلقت آسمان و زمین هم رعایت شده است و آن اینکه آفرینش مرتبه‌پذیر است و تا مرتبه اول تحقق پیدا نکند، مرتبه دوم محقق نخواهد شد.

در موضوع خلقت شش‌روزه آسمان و زمین و معنای سته ایام مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده، از جمله مقاله بررسی سته ایام در دیدگاه فریقین (غلامرضا خوش‌نیت، اردیبهشت ۱۳۹۷، دو فصلنامه قرآن‌پژوهی حسنا) در این مقاله به بررسی نظر مفسران شیعه و سنی پرداخته شده است. مقاله دیگر در این زمینه با عنوان بررسی تعارض آیات مرتبط با خلقت در شش دوره (غلامرضا مرتضوی، بهار ۱۳۹۶، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری) است که در آن به بیان تعارض بین آیاتی که خلقت را در شش روز می‌دانند و آیات سوره فصلت که خلقت را در هشت روز می‌دانند، پرداخته است. مقاله حاضر علاوه بر بررسی کمی دقیق و رجوع به تفاسیر اصلی شیعه و اهل سنت در موضوع خلقت آسمان و زمین و معنای سته ایام، بحث تدریجی بودن خلقت را نیز با تفصیل بیشتر مورد بررسی قرار داده است، همچنین در بخش نخست این تحقیق به چگونگی خلقت آسمان و زمین نیز پرداخته شده است.

## ۱- مفهوم‌شناسی

### ۱-۱- آسمان

کلمه آسمان در زبان عرب با عنوان «سما»، از ریشه «سَمُو، سُمُو، سَمُو» به معنای

علو است، بسیاری از لغویون مانند خلیل بن احمد، ابن منظور، ابن فارس و مصطفوی در *التحقیق*، اصل آن را به معنای رفعت و بلندی دانسته‌اند، «سَمَا [الشیء] یَسْمُو سُمُوًا، أی: ارتفاع.» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۳۱۸/۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۳۸۱/۴) و به هر چیزی که بالای چیز دیگر قرار داشته باشد یا از بالا به پایین بیاید، سماء می‌گویند.

راغب در مفردات کلمه «سما» را از نظر اصطلاحی این‌طور معنا می‌کند: «فوق و بالای هر چیز را سماء گویند. بعضی گفته‌اند هر بالایی نسبت به پایینش سماء و نسبت به مافوق و بالاتر از ارض است، به استثنای آسمان مرتفع که آسمانی بدون زمین است (منظور سراسر جهان است) و آیه «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» بر این معنی حمل شده است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۴۲۷) و این کلمه در قرآن به صورت مفرد یعنی سماء ۱۲۰ بار و به صورت جمع یعنی سماوات ۱۹۰ بار تکرار شده است.

آسمان در قرآن در دو مفهوم به کار رفته است، آسمان مادی و آسمان معنوی، آسمان حسی و مادی (جو زمین یا فضای محل ستارگان، سیارات، منظومه شمسی و کهکشان‌ها) و آسمان معنوی که همان مقام قدس و عالم وجود برتر است. (اصفهانی، ۱۳۸۷، ۱۲۷/۱۱) مصطفوی در کتاب *التحقیق* (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۲۲۰/۵) و آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر خود به این دو نوع آسمان اشاره کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۶۵/۱).

### ۱-۲- زمین

ارض در لغت به معنای هر چیزی است که پایین و زیر چیزی قرار دارد و بسیاری از لغویون مانند ابن منظور، خلیل بن احمد و ابن فارس به این معنا اشاره کرده‌اند، «و کُلُّ مَا سَفَلَ فَهُوَ أَرْضٌ.» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۱۲/۷؛ جوهری، ۱۳۷۶، ۱۰۶۳/۳) از نظر لغویون این کلمه مونث و اسم جنس است، اما در مورد جمع آن اختلاف نظر وجود دارد، بعضی جمع آن را با الف و تا می‌آورند «ارضات» و بعضی جمع آن را به صورت جمع مکسر یا با واو و نون می‌آورند «ارضون، اروض»، راغب در مفردات جمع آن را «ارضون» می‌داند و می‌گوید این کلمه در قرآن به صورت جمع نیامده است.

واژه ارض و مشتقات آن در قرآن کریم ۴۶۱ بار آن هم به صورت مفرد تکرار شده است.

در قرآن کریم این واژه دارای معانی و مصادیق مختلفی است، از جمله کره زمین، مکان خاص، سرزمین و اجتماع و زندگی جمعی. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۳۹۲/۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۳/۱۷۴)

### ۱-۳- خلق

خلق مصدر از ریشه «خ ل ق»، به معنای جمله مخلوقات بوده و لغویونی چون ابن منظور، ابن فارس، مصطفوی، جوهری و فیومی آن را به معنای اندازه‌گیری دانسته‌اند، هم به اعتبار میزانی که چیزی از چیزی بهره‌مند می‌شود و هم به اعتبار پدید آوردن چیزی مطابق با میزانی که در نظر پدیدآورنده آن است. «أصل الخلق التقدير، فهو باعتبار تقدير ما منه وجودها وباعتبار للإيجاد على وفق التقدير خالق». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸۵/۱۰) «وَأَصْلُ (الْخُلُقِ) التَّقْدِيرُ يُقَالُ (خَلَقْتُ) الْأَدِيمَ لِلْسَّقَاءِ إِذَا قَدَرْتَهُ لَهُ» (فیومی، ۱۴۱۴، ۱۸۰/۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ۳۰۹/۳)

معنای دیگر خلق پدید آوردن چیزی به شکلی است که پیش از آن سابقه نداشته باشد، یعنی به شکلی خاص، عده‌ای از لغویون مانند مصطفوی و ابن منظور خلق را ایجاد یک چیز به کیفیتی خاص و به شکلی که اراده و حکمت الهی اقتضای آن را دارد، میدانند و آن را فقط مخصوص خداوند میدانند، «خلق کرد خدا اشیاء را خلقی و خداوند خالق و خلاق است. زهری در معنای خلق میگوید: این صفت با الف و لام برای غیر خدای متعال جایز نیست و اصل خلق اندازه‌گیری و تقدیر است و همانا اصل واحدی در این ماده وجود دارد که آن ایجاد شیء بر کیفیتی مخصوص است و به آن چیزی که اراده او آن را واجب کرده و حکمت او آن را اقتضاء کرده است.» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱۱۴/۳) «و خلق در کلام عرب: شروع کردن بر چیزی است بدون اینکه سابقه‌ای برای آن باشد و هر چیزی که خداوند آن را خلق کند، خدا مبدع آن است بدون اینکه مثال سابقی برای آن باشد و این مطلب در آیات قرآن مطرح شده است، آنجا که میفرماید: "أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ"» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۸۵/۱۰)

## ۲- چگونگی آفرینش آسمان و زمین

یکی از موضوعاتی که ذهن بشر را از دیرباز به خود مشغول نموده، چگونگی آفرینش آسمان و زمین است و نظریات مختلفی در این زمینه مطرح شده است، از جمله کسانی که به این موضوع پرداخته‌اند، علما و دانشمندان اسلامی هستند که با توجه به آیات قرآن در این مورد نظر داده‌اند و طبق آیات قرآن بیان می‌کنند خداوند آسمان و زمین را در شش روز خلق کرد. آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه درباره این شش روز میفرماید: این دوران‌های شش‌گانه محتملاً به ترتیب ذیل بوده است: ۱. روزی که همه جهان به صورت توده گازی شکلی بود که با گردش به دور خود از هم جدا شد و کرات را تشکیل داد. ۲. این کرات به تدریج به صورت توده مذاب و نورانی یا سرد و قابل سکونت درآمدند. ۳. روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد. ۴. روز دیگر زمین سرد و آماده حیات شد. ۵. سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند. ۶. سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر گشتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۰۲/۶)

خلقت آسمان و زمین به این شکل و وضعی که ما می‌بینیم ناگهانی نبوده و از عدم ظاهر نشده، بلکه از چیز دیگری خلق شده که آن چیز پیش‌تر وجود داشته و آن ماده‌ای متشابه اجزاء و روی هم انباشته بوده که خدای تعالی این ماده متراکم را جزء جزء کرد و اجزای آن را از یکدیگر جدا ساخت، با قسمتی از آن در دو برهه از زمان زمین را ساخت و سپس به آسمان که آن موقع دود بود، پرداخت، آن را هم جزء جزء کرد و در دو برهه از زمان به صورت هفت آسمان درآورد. موجودات زنده هم از آب آفریده شده‌اند و آب ماده حیات هر جنبنده‌ای است. پس اینکه خداوند فرمود: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ» منظور از آفریدن آن، جمع کردن اجزاء و سپس جدا ساختن آن از مواد دیگری متشابه با هم و متراکم در هم است و به حکم این آیات خلقت آسمان‌ها در دو روز و خلقت زمین نیز در دو روز صورت گرفته و در نتیجه از شش روز، دو روز باقیمانده که در آن کار دیگری شده و آن همان تقدیر ارزاق یا به عبارتی به حرکت درآوردن زمین به دور خورشید است، به نحوی که در اثر دور و نزدیک شدنش از خورشید و نیز در اثر میل به سوی شمال و جنوب، چهار

قسم هوا در زمین پیدا شد (هوای بهاری، تابستانی، پاییزی و زمستانی و در نتیجه زمین آماده شد برای اینکه ارزاق روزی خواران از آن بروید). (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵۰/۱۰).

مبنای این مطلب، این است که آسمان و زمین در ابتدا به صورت توده‌های گازی شکل یا اجزای انباشته و متراکمی بوده و بعد در اثر فعل و انفعالاتی که بنابر نظر بعضی انفجاراتی است که صورت گرفته، از هم جدا شده و در طی شش روز به صورت آسمان و زمین کنونی برای زندگی انسان و سایر موجودات آماده شده است. این نظر مورد تأیید بسیاری از تفاسیر مانند احسن الحدیث، کوثر، قرآن مهر، مجمع البیان و... نیز است. آیت‌الله معرفت در کتاب «التمهید فی علوم القرآن» به این مطلب و اینکه منظومه شمسی چگونه به وجود آمد، اشاره کرده و در آنجا بیان می‌کنند که منظومه شمسی در حقیقت بخش بسیار کوچکی از توده گازی دارای حجم عظیم است، این توده خرد شده و از آن ستاره‌های بزرگی پراکنده شد و زمین هنگام جدا شدن از غبار خورشیدی توده‌ای از ماده گداخته و داغ بود که رفته رفته سرد شد و حالت جامد گرفت. (معرفت، ۱۳۸۸، ۴۰/۶)

به عبارت دیگر می‌توان گفت: در آغاز آفرینش، جهان هستی به صورت مواد مذابی بوده که قرآن از آن با عنوان ماء یاد می‌کند، یا به صورت گازهای بسیار فشرده که شکل مواد مذاب داشته است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه اول نهج البلاغه درباره خلقت آسمان و زمین مطالبی را به طور مفصل بیان کرده‌اند. امام باقر (علیه السلام) درباره آغاز آفرینش می‌فرماید: همه چیز آب بود و عرش الهی بر آن قرار داشت، سپس خداوند اشتعال و انفجاری در آب پدید آورد و پس از آن شعله و زبانه‌اش را خاموش کرد و در پی آن گازی پدید آمد که ماده آفرینش آسمان‌ها شد. (کلینی، ۱۴۲۹، ۹۵/۸).

قرآن در آیات سوره فصلت به این مرحله از خلقت و دخان و ماده گازی شکل بودن و انفجاری که در آن آب اتفاق افتاد، اشاره می‌کند. برطبق آیه ۱۱ سوره فصلت آسمان‌های هفت‌گانه از آن گاز پدید آمد و در نهایت خداوند به رتق و فتق آسمان‌ها و زمین پرداخت که در آیه ۳۰ سوره انبیاء به این موضوع اشاره شده است. مفسرین درباره مفهوم رتق و فتق در آیه مذکور دو دیدگاه را مطرح کرده‌اند: نخست، آنکه آسمان در آغاز به صورت یکپارچه

بود و دریچه‌های آن بسته بود و نمی‌بارید. آبراه‌های زمین نیز به‌هم پیوسته بود و از زمین چیزی نمی‌روید، آنگاه خداوند زمین و آسمان را گسست. پس درهای آسمان را با آبی ریزان گشودیم. زمین را شکافتیم، پس در آن دانه رویاندیم. تفسیر دوم این است که آسمان و زمین دارای رتق و به‌هم پیوستگی بودند، آنگاه خداوند آن‌ها را گونه‌گونه ساخت و از هم جدا کرد و هریک را دارای ویژگی خاص قرار داد. آیت‌الله معرفت بیان می‌کند که این همان معنایی است که در سخن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) درباره آفرینش آمده است. (معرفت، ۱۳۸۸، ۱۲۹/۶)

### ۳- نظر مفسران در مورد سته ایام

درباره عبارت «سته ایام» که مربوط به خلقت آسمان و زمین است، سؤالات زیادی مطرح است، از جمله اینکه منظور از «سته ایام» چیست؟ همچنین «این سؤال به ذهن می‌آید که قبل از آفرینش زمین و آسمان، شب و روزی وجود نداشت که این‌ها در آن آفریده شوند. شب و روز از گردش زمین به دور خود و در برابر نور آفتاب به‌وجود می‌آید. به‌علاوه پیدایش مجموعه جهان در شش روز، یعنی کمتر از یک هفته چیزی برخلاف علم است، زیرا علم می‌گوید: میلیاردها سال طول کشید تا زمین و آسمان به وضع کنونی درآمد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۶/۲۰۰) و این مطلبی است که مفسران درصدد تفسیر و تبیین آن برآمدند.

### ۳-۱- نظر مفسرین شیعه

مفسران شیعه در مورد «سته ایام» نظرات متفاوتی را بیان کرده‌اند، از جمله اینکه آن را بر روزهای هفته تطبیق داده‌اند و می‌گویند منظور خلق آسمان و زمین در همین روزهای دنیایی است و حتی بعضی بیان کرده‌اند که خلقت از روز یکشنبه آغاز شده و در روز جمعه به پایان رسیده است. این مطلب در تفسیر مجمع البیان آمده، «پروردگار شما همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را در مدتی به اندازه شش شبانه‌روز پدید آورد. بدیهی است که برای خداوند ممکن بود که جهان آفرینش را در مدتی کوتاه‌تر پدید آورد، لکن مصلحت



این بود که در این مدت باشد. آغاز آفرینش روز یکشنبه و پایان آن روز آدینه بود. روز آدینه همه موجودات جمع شدند، از این‌رو آن روز را «جمعه» نامیدند. این قول از مجاهد است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴/۶۵۹)

شیخ طوسی در تفسیر تبیان «سته ایام» را به همین مضمون معنا نموده، ابوالفتوح رازی اول آن شش روز را یکشنبه می‌داند و چون آدینه شد، خدای تعالی خلق آسمان و زمین را جمع کرده بود، بنابراین آن را جمعه نامید. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ۸/۲۱۸)

تعداد دیگری از مفسرین شیعه نیز بر همین نظر هستند. آیت‌الله جوادی آملی در بحث روایی که در مراد از «سته ایام» بیان می‌فرمایند، به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنند، از جمله «ابوهریره می‌گوید: حضرت رسول دست مرا گرفت و فرمود: خداوند خلق کرد خاک را روز شنبه و خلق کرد در آن کوه‌ها را روز یکشنبه و خلق کرد درخت را روز دوشنبه و خلق کرد مکروه (امر ناپسند) را روز سه‌شنبه و خلق کرد نور را روز چهارشنبه و جنبندگان را در آن (خاک و زمین) روز پنجشنبه گسترده کرد و آدم را بعد از عصر روز جمعه آفرید، آخر خلقت در آخرین ساعات روز جمعه بین عصر تا شب.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۹/۱۶۰) اما خود ایشان در نقد این نظریه می‌فرمایند که تطبیق «سته ایام» بر روزهای هفته بنا بر نظر برخی مفسرین از اسرائیلیاتی است که از قوم یهود به جوامع روایی شیعه سرایت کرده است و آیت‌الله معرفت در مورد این روایت می‌فرماید: بخاری و ابن کثیر و غیر این دو گفته‌اند: ابوهریره این حدیث را از کعب الاحبار گرفته. ابوهریره گفته: کعب با زیرکی و بهره‌برداری از سادگی و غفلت ابوهریره چیزهایی که از خرافات و باطل بوده است را خواسته در اسلام نشر دهد، آن را به ابوهریره تلقین کرده تا جایی که وقتی ابوهریره آن‌ها را نقل می‌کرد، کعب او را تصدیق می‌کرد و آن به خاطر این بود که این اسرائیلیات را تأکید کند تا در عقول مسلمین ممکن به نظر آید، یعنی پذیرفته شود، به طوری که گویا خبر از ابوهریره آمده، در حالی که در حقیقت کعب آن را گفته است. (معرفت، ۱۳۸۸، ۱۰/۱۰۹)

همچنین آیت‌الله معرفت در مورد اینکه این عقیده از آن یهود است، می‌فرماید که در سفر تکوین چنین آمده است: پس کامل کرد آسمان و زمین و همه جندش را (جند هم

به معنی لشکر است، هم به معنی زمین سنگلاخ و سخت که به نظر دومی بهتر است) و خداوند در روز هفتم از کاری که انجام می‌داد، فارغ شد، پس در روز هفتم از کل کارهایی که انجام داده بود، استراحت کرد. (معرفت، ۱۳۸۸، ۳۸۶/۷)

بنابراین سند این روایات مخدوش است. پس این معنا برای «سته ایام» از معانی مخدوش در این زمینه است. علامه طباطبایی در ذیل آیات سوره فصلت بحثی روایی در این زمینه مطرح کرده‌اند و درنهایت بیان می‌کنند که روایاتی که خلقت آسمان و زمین را این‌گونه مطرح می‌کنند، جعلی هستند.

برخی مفسرین در بحث «سته ایام» آن را به شش مرحله که مخصوص خلقت زمین است، تفسیر کرده‌اند. ایام جمع یوم به معنای روز و قسمتی از زمان است. بدیهی است که قبل از خلقت کرات آسمان، خورشید، زمین و ماه، حرکت وضعی و انتقالی نبوده است تا شب و روز و سال و ماهی مطرح باشد، پس ایام در اینجا به معنای روز نیست، بلکه به معنای مرحله است، اما این شش مرحله اختصاص به خلقت زمین دارد که سه دسته از آیات برای رسیدن به این معنا مورد بررسی قرار گرفته است:

اول آیاتی که بشر را توییح می‌کند که چگونه می‌توان آفریدگاری را انکار نمود که زمین را در دو روز، یعنی دو مرحله آفرید.

دوم آیاتی که نخستین مرحله خلقت کرات آسمان را آن می‌داند که مواد اصلی آن‌ها را به صورت گاز از کتم عدم آفرید و در مرحله دوم اجزای بی‌شمار هریک از کرات را به هم پیوسته و به نظام مخصوص درآورده و ترکیب نمود و در جو ناپیدا برای هریک از کرات مدار مخصوص قرار داده و با نیروی جاذبه و دافعه که در هریک نهاده، آن‌ها را به حرکت و سیر درآورده است.

دسته سوم آیاتی هستند که به بیان مرحله دوم خلقت زمین می‌پردازند، کوه‌ها را بر روی زمین پدید آورده و برفراشت و در مرحله دیگر نیروی رشد و نمای به‌خصوصی در زمین قرار داد که در اثر این تدبیر روزی و نیازهای موجودات روی زمین را مانند نباتات، اشجار، حیوانات و بشر در چهار یوم (چهار مرحله) تأمین می‌نماید و با توجه به این سه دسته آیات،

زمین از آغاز خلقت شش مرحله را طی کرده است. در آیاتی که خلقت آسمان و زمین را شش روز مطرح می‌نماید، موضوع بحث خلقت زمین به‌تنهایی است، در آیات سوره فصلت خداوند بیان می‌کند: زمین در خلقت دو مرحله را پشت سر گذاشته که تکرارپذیر نیست و چهار مرحله را که تدبیر امور زمین در آن چهار مرحله انجام شده است، پس اگر در آیاتی که خلقت را در شش روز می‌دانند، قرار بود این شش مرحله اختصاص به زمین و آسمان، هر دو داشته باشد، باید زمان بیشتری را بیان میکرد که هر دو را شامل شود و در آیات سوره فصلت ایام آفرینش آسمان و زمین را هشت روز بیان کرده است. بنابر نظر تفسیر انوار درخشان شش مرحله آن مختص به خلق زمین و دو مرحله آن مختص به آفرینش آسمان است، پس نتیجه می‌گیرد که مقصود از «سته ایام» شش مرحله از خلقت است که مخصوص زمین است. (حسینی، ۱۴۰۴، ۳۶۵/۶)

این نظر با اشکالاتی روبه‌رو است، چون در اثبات آن به آیات سوره فصلت اشاره شده که خلقت آسمان و زمین را در هشت روز بیان نموده است و بررسی این آیات خود نیاز به بحثی مفصل دارد، اما می‌توان به‌طور خلاصه آن را این‌گونه تفسیر نمود؛ مشهور و معروف این است که «اربعه ایام» منظور تتمه چهار روز است، به این ترتیب در دوروز اول از این چهار روز زمین آفریده شد و در دو روز بعد سایر خصوصیات زمین، به اضافه خلقت آسمان‌ها در دوروز، در مجموع شش روز (شش دوران)، البته اگر آیات متعدد آفرینش در شش روز نبود، چنین تفسیری پذیرفته نمی‌شد، ولی از آنجا که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می‌کنند و قرینه یکدیگر می‌شوند، این تفسیر خوبی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۲۵/۲۰)

شیخ طوسی و طبرسی نیز بر این تفسیر تأکید دارند. میبیدی در کشف الاسرار هم بر همین نکته تأکید دارد و همین مطلب را منهج الصادقین در ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف و ذیل آیه ۱۰ سوره فصلت بیان کرده است. (کاشانی، ۱۴۲۹، ۴۱/۴) فِيْ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ در تتمه چهار روز، یعنی در دو روز دیگر و این کلام از قبیل آن است که کسی گوید: سرت من البصرة الی بغداد فی عشرة و الی الکوفة فی خمس عشر؛ سیر کردم از بصره تا بغداد در مدت ده روز و تا کوفه پانزده روز، یعنی تتمه پانزده روز که پنج روز است. (کاشانی، ۱۴۲۹،

۱۷۴/۸) و ملاصدرا نیز اربعة ایام در سوره فصلت را تتمه آن دور روز می داند، یعنی با دور روز اول در مجموع چهار روز می شود و در آنجا برای اثبات نظر خود به آیه سوره سجده استناد می کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۱، ۱۵۹/۶) و بسیاری دیگر از مفسرین نیز همین قول را پذیرفته اند، پس نمی توان «سته ایام» را مراحل خلقت زمین به تنهایی دانست و استدلالی که بر این معنا شده است برطبق استناد به آیات سوره فصلت درست نیست، زیرا با تفسیری که برای آن گفته شده سازگاری ندارد.

فیض کاشانی در تفسیر صافی منظور از «اربعة ایام» در سوره فصلت را چهار فصل سال می داند، *فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءٍ، يَعْنِي فِي أَرْبَعَةِ أَوْقَاتٍ* که همان چهار فصل سال یعنی بهار، تابستان، پاییز و زمستان است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۳۵۳/۴)، اما به هر حال با هر یک از دو تفسیر که آیات سوره فصلت را توضیح دهیم، «سته ایام» بر خلقت آسمان و زمین با هم صدق خواهد نمود نه فقط بر خلقت زمین.

برخی مفسرین آن را بر دوران، برهه و مقداری از زمان تفسیر کرده اند، علامه طباطبایی میفرماید: «روز در هر ظرفی مقداری است از زمان، در ظرف زمین عبارت است از مدت زمانی که کره زمین یک بار به دور خودش بچرخد و در ظرف قمر - البته قمر مخصوص کره زمین - تقریباً برابر است با بیست و نه روز و نصف و استعمال کلمه «یوم» در برهه‌ای از زمان استعمال شایعی است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۵۰/۱۰) آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه بر همین معنا برای «سته ایام» تأکید دارند و استعمال یوم در معنای دوران در قرآن بسیار دیده شده، مثلاً در چندین آیه قرآن برای روز قیامت به کار رفته است که قطعاً در این موارد شبانه روز عادی مدنظر نیست. در برخی آیات به مدتی از زمان گفته می شود، هر مقدار که باشد، در روایات معصومین هم داریم که از یوم به دوران و برهه‌ای از زمان تعبیر کردند، مانند روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که میفرماید: «وَالدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.» (تمیمی، ۱۴۱۰، ۱۵۰)

این تفسیر بهترین تفسیری است که می تواند در «سته ایام» بیان نمود، زیرا هم با آیات قرآن و هم با روایات رسیده از اهل بیت سازگاری دارد، در آیات قرآن کلمه یوم و ایام صدها

بار تکرار شده است که دارای معانی متعددی است. معانی یوم در قرآن را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی نمود: ۱. آیاتی که منظور از یوم در آن‌ها محدوده زمان و تاریخ است که این معنا را فرع بر خلقت آسمان و زمین میدانند، زیرا این معنا از زمان حرکت وضعی و انتقالی زمین به وجود آمده است. ۲. آیات مربوط به خلقت آسمان و زمین که در این آیات مقصود از یوم نوعی زمان مادی است، چون آسمان و زمین مخلوقات مادی هستند، اما این زمان غیر از زمانی است که با حرکت وضعی و انتقالی زمین به وجود بیاید، در این معنا یوم سیر مادی خلقت را بیان می‌کند که می‌تواند میلیون‌ها سال شمسی یا نوری را در برگیرد. ۳. آیات مربوط به قیامت، یوم در این دسته از آیات البته با تفاوت‌هایی شبیه به آیات دسته دوم است، زیرا بساط عالم ماده جمع شده، پس زمان عادی مد نظر نیست.

علامه در معنای کلمه یوم میفرماید: «کلمه "یوم" به معنای مقدار قابل ملاحظه از زمان است که حادثه‌ای از حوادث را در برگرفته باشد و به همین جهت کوتاهی و بلندی این زمان بر حسب اختلاف حوادث مختلف می‌شود، هر چند که استعمالش در مدت زمان بین طلوع و غروب خورشید شایع شده است، ولی چه بسا که در ملک و سلطنت و قهر و غلبه و امثال آن نیز استعمال بشود و این استعمالی است مجازی، به علاقه ظرف و مظروف، (ظرف را که همان کلمه "یوم" باشد در مظروفش یعنی "قهر و غلبه" ای که در ظرف واقع شده استعمال می‌کنند) و در نتیجه به جای اینکه بگویند: "روزی که فلان جماعت در آن اجتماع کردند" می‌گویند: "روز فلان جماعت" و به جای اینکه بگویند: "روزگاری که آل بویه زمام را به دست داشتند" یا "آل فرعون قدرت را به دست گرفته بودند" می‌گویند: "روز آل بویه" و یا "روز آل فرعون" گاهی هم در خود آن زمانی که این زمامداری و قدرت در آن وقت واقع شده استعمال می‌شود.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۲۸/۴)

### ۳-۲- نظر مفسرین اهل سنت

مفسرین اهل سنت نیز درباره «سته ایام» نظراتی را در تفاسیر خود مطرح نموده‌اند که از جمله آن‌ها این است که منظور از «سته ایام» شش روز دنیایی است، همان‌طور که برخی مفسران شیعه نظر دادند، اما در اینکه مصداق روز کدام است، نظرات آن‌ها متفاوت است،

برخی مانند زمخشری، بیضاوی، سیوطی، میگویند که منظور روزهای کوتاه دنیا است، «فی مقدار ستة أيام، فإن المتعارف باليوم زمان طلوع الشمس إلى غروبها.» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۱۵/۳) همچنین برای این تفسیر روایتی از ابوهریره نقل کردند که در بحث تفاسیر شیعه به آن اشاره شد و ابن کثیر در تفسیر خود می‌گوید: «مسلم و نسائی در دو کتاب خود این روایت را ذکر کردند و این از اخبار صحیح غریب است و بخاری آن را در التاریخ دارای مشکل دانسته و گفته بعضی این را از ابوهریره از کعب الاحبار نقل کرده‌اند و این صحیحتر است.» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ۱۵۳/۷) و نقد این تفسیر در نظر مفسرین شیعه بیان شد.

برخی معتقدند که مقصود از «سته ایام» روزهای طولانی است که هر روز آن برابر با هزار سال است، «فی سِتَّةِ أَيَّامٍ قَالَ: يَوْمٌ مِّمْدَاؤُهُ أَلْفَ سَنَةٍ.» (ابی حاتم، ۱۴۱۹، ۱۴۹۶/۵) طبری در تفسیر خود در معنای «سته ایام» می‌گوید: «خلقت آسمان و زمین در شش روز اتفاق افتاد و آن روز یکشنبه، دو شنبه، سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه بود. همان طور که از مجاهد نقل شده و جمع کرد خلق را در روز جمعه که هریک از این شش روز معادل هزار سال بود.» (طبری، ۱۴۱۲، ۱۴۶/۸) این گروه از مفسرین در این تفسیر به روایاتی که از ابن عباس، مجاهد و چند تن دیگر نقل شده است، استناد کرده‌اند، طبری در تفسیر خود ذیل آیه سوره هود روایتی را مطرح می‌کند که از آن همین معنا برای «سته ایام» فهمیده می‌شود (طبری، ۱۴۱۲، ۳/۱۲) و در الواضح فی تفسیر القرآن الکریم دینوری در تمام آیاتی که عبارت «سته ایام» در آن‌ها وارد شده است، این مطلب را آورده که منظور روزهای دنیایی است که هر کدام آن هزار سال است؛ اما باید گفت که در اینجا نیز همان اشکالاتی که در مباحث قبل بیان شد، مطرح است، یعنی روایاتی که برای اثبات این تفسیر به آن استناد کردند از روایاتی است که جزء اسرائیلیات وارد شده در اسلام است و از آن مهم‌تر از جهت سند دچار خدشه و غیر قابل قبول است.

برخی از مفسرین اهل سنت نیز فقط به نقل اقوال سایر مفسرین اکتفا کرده‌اند و خود در این زمینه سکوت اختیار نکرده‌اند. در معنای (فی سِتَّةِ أَيَّامٍ) یعنی از ایام آخرتی که هر یک روز آن معادل هزار سال است و این برای بزرگ کردن خلقت آسمان و زمین است و گفته

شده که از روزهای دنیایی است و این را مجاهد و غیر او گفته‌اند که اولین روز آن یکشنبه و آخر آن جمعه بوده است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۲۱۹/۷) اشکالی که می‌توان به این نظریه وارد کرد، این است که روز از طلوع تا غروب خورشید است و در آن هنگام خورشید و ماهی نبوده است که بتوان ایام را به معنای روزهای دنیایی گرفت.

گفته شده «سته ایام» معادل روزهای آخرتی است که هر روز آن برابر هزار سال است و گفته شده مانند روزهای دنیایی است و از سعید بن جبیر نقل شده که گفته خداوند عزوجل قادر بود که خلق کند آسمان و زمین را در یک چشم برهم زدن و یک لحظه، پس آن را در شش روز خلق کرد برای اینکه به خلق تأنی و تأمل در امور را آموزش دهد. (بغوی، ۱۴۲۰، ۱۹۷/۲) در هر دوی این تفاسیر کلمه قیل مطرح شده است، یعنی نظر خود را بیان نکرده‌اند، بلکه فقط به اقوالی که مطرح شده است، اشاره نموده‌اند.

برخی مفسرین اهل سنت در معنا و تفسیر «سته ایام» آن را از امور غیبی دانسته‌اند که نباید در آن کنجاوی نمود و فقط باید آن را قرائت و تلاوت کرد و فهم آن را به خود خداوند واگذار نمود و هر چیزی که درباره آن بیان شده است بدون دلیل و حدس و گمان است که خداوند در قرآن فرموده است که «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً» (سوره یونس، آیه ۳۶) که این معنا را می‌توان در تفسیر فی ظلال سید قطب در ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف و تفسیر الحدیث محمد عزه دروزه در ذیل آیات ۹ تا ۱۲ سوره فصلت مشاهده نمود.

برای هیچ‌یک از این نظراتی که مطرح شد، شیعه از ائمه روایت مستندی ندارد و روایاتی هم که در این زمینه نقل شده است از جهت سند و دلالت دارای اشکال است.

#### ۴- راز خلقت تدریجی آسمان و زمین

اما اینکه حکمت و راز خلقت تدریجی آسمان و زمین و حتی همه موجودات چیست، در تفاسیر مختلف شیعی و اهل سنت نظرات و احتمالات مختلفی بیان شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) بیان‌کننده اراده و اختیار و حکمت خالق است، زیرا چیزی که به صورت اتفاقی

صورت میگیرد، کار یک شخص نیست، بلکه افراد زیادی می توانند این گونه عمل کنند، اما عمل همراه با حکمت و اختیار کار همه اشخاص نیست. این نظام تدریج در خلق از دلایلی است که بر اراده و اختیار و حکمت و وحدانیت خالق دلالت می کند، چراکه چیزی که نظامی ندارد، ممکن است وجودش امری اتفاقی باشد، یا منشأ آن فعل افراد زیادی باشد، نه فعل فرد واحد، پس فرق واضحی است بین تلی از خاک که در صحرا میبینی و بین یک قلعه محکم یا مرتفع که در آن همه وسایل و ابزار جنگی است. (مراغی، بی تا، ۱۷۲/۸) و خلقت تدریجی با قدرت بر خلق دفعی خود بزرگترین دلیل بر اختیار است. (شبر، ۱۴۱۰، ۱۷۵)

ب) قول دیگر اینکه خلقت تدریجی برای تعلیم به بندگان بود و آن‌ها را تشویق کند به اینکه در کارهای خود تأمل و تأنی داشته باشند. روایتی از ابن جبیر از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است، تأنی از خداوند است و عجله از شیطان، این قول بیشتر از مفسرین اهل سنت نقل شده است و در اینکه خدای سبحان اشیاء را به تدریج خلق کرد، بنابر آنچه که از ابن جبیر روایت شده، برای این است که مخلوقین خداوند تثبت و تأنی در امور را یاد بگیرند، همان طور که در حدیث آمده است، «التأنی من الله تعالی و العجلة من الشیطان» (آلوسی، ۱۴۱۵، ۳۷۳/۴) «و در خلقت اشیاء به صورت تدریجی با قدرت داشتن بر خلق و ایجاد به صورت دفعی دلیل بر اختیار و اعتبار برای نظام و تشویق خلق و بندگان بر تأنی در امور است.» (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۱۵/۳)

ج) خلقت تدریجی آسمان و زمین برای نشان دادن قدرت تدریجی خدا بر ملائکه است و اینکه برای هر چیزی اجلی معین نموده، با اینکه قادر است بر اینکه بگوید باش، پس به وجود بیاید، ولیکن اراده کرد که به بندگان رفق و تثبت در امور را تعلیم دهد و قدرت خود را بر ملائکه ظاهر کند و این قول را کسی مطرح می کند که معتقد است خداوند ملائکه را قبل از آسمان‌ها و زمین خلق کرد و حکمت دیگر خلق تدریجی این است که برای هر چیزی نزد خداوند اجل و زمانی است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ۲۱۹/۷)

ح) فخر رازی از علمای اهل سنت در تفسیر کبیر این موضوع را از افعال خداوند میداند



که اصلاً نباید از آن سؤال کرد و می‌گوید: خداوند هرگز زیر سؤال نمی‌رود و معتقد است برطبق مذهب اهل سنت این بهترین دلیل است. صاحب تفسیر تسنیم بعد از اینکه این نظر را از فخر رازی بیان می‌کند، در پاسخ او می‌گوید: «این پاسخ صحیحی نیست، چون هیچ سؤالی برای بازخواست از ذات پاک خدا نیست، بلکه هدف از این‌گونه پرسشها، دستیابی به کلید فهم کار خدای حکیم است. از این‌رو سؤالات علمی و استفهامی درباره وجه حکمت فراوان هستند و نه تنها اشکالی ندارند، ممدوحانند و بدان‌ها امر شده و از شئون معرفت الهیاند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۰۱/۲۹)

د) آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه علت خلقت تدریجی را دلیل روشنتر بر شناسایی آفریدگار میداند، آفرینش اگر در يك لحظه اتفاق می‌افتاد، کمتر می‌توانست از عظمت و قدرت و علم آفریدگار حکایت کند، اما هنگامی که در مراحل مختلف و چهره‌های گوناگون، طبق برنامه‌های منظم و حساب‌شده، انجام گیرد، دلیل روشن‌تری برای شناسایی آفریدگار خواهد بود. اگر نطفه آدمی در يك لحظه تبدیل به نوزاد کامل می‌شد، آن قدر نمی‌توانست عظمت خلقت را بازگو کند، اما هنگامی که در طی ۹ ماه، هر روز در مرحله‌ای و هر ماه به شکلی، ظهور و بروز کند، می‌تواند به تعداد مراحل که پیموده است، نشانه‌های تازه‌ای از عظمت آفریدگار بیان کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۲۰۳/۶)

حجت‌الاسلام قرائتی در تفسیر نور خلقت تدریجی را یک سنت الهی میداند و شتاب و عجله در کارها را امری شیطنانی و راه تسلط او میداند و به دو روایت در این زمینه اشاره می‌کند؛ پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «التَّائِي مِنَ الرَّحْمَنِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ». حضرت علی (علیه‌السلام) نیز فرمود: «اگر خدا می‌خواست آسمان و زمین را در کمتر از يك چشم‌به‌هم‌زدن می‌آفرید، ولی ترتیب و مرور را مثالی برای امنای خود و حجتی بر خلقش قرار داد.» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۸۰/۳) مرحوم طبرسی در مجمع البیان راز خلقت تدریجی را مصلحتی از سوی خدا میداند، بدیهی است که برای خداوند ممکن بود که جهان آفرینش را در مدتی کوتاه‌تر پدید آورد، لکن مصلحت این بود که در این مدت باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲،

ر) اما بنا بر روایات رسیده از اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان گفت که راز خلقت تدریجی آسمان و زمین این است که بشر ترغیب شود که در آفرینش آسمان و زمین بیندیشد و با مطالعه و تحقیق، به تدریج به اسرار آفرینش پی ببرد و حقایق را یکی بعد از دیگری کشف کند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ۱۰۳/۲۹) در تعدادی از کتب تفسیری برای بیان این مطلب به روایتی از امیرالمؤمنین اشاره شده است «اگر می‌خواست خلق میکرد آن را در یک چشم برهم زدن، ولیکن قرارداد آن را راه مدارا و ملائمت و مثالی برای امناء خود و دلیل و حجت بر خلق خود.» (حویزی، ۱۴۱۵، ۳۳۹/۲)

آنچه به نظر می‌رسد در مورد خلقت تدریجی آسمان و زمین، این است که آسمان و زمین هم جزئی از عالم ماده هستند و برطبق آیات قرآن و بررسی در آیات خلقت انسان و همه موجودات جهان ماده، به‌طور کلی باید گفت عالم ماده تدریج‌پذیر است و تا مرحله اول و مقدمات فراهم نشود، مرحله دوم و ذی‌المقدمه محقق نخواهد شد، پس می‌توان در مورد تدریجی بودن خلقت آسمان و زمین هم گفت که با اینکه خداوند می‌توانست آسمان و زمین را به‌صورت یکجا و در یک مرحله خلق کند، اما چون در عالم ماده قانون تدریج و تدرج مطرح است، خداوند از این قانون فقط در حالتی که بخواهد معجزه‌ای را نشان دهد، برمی‌گردد و إلا در غیر این مورد قانون جهان ماده و عالم طبیعت باید رعایت شود.

بسیاری از مفسرین در بحث خلقت آسمان و زمین و موجودات عالم ماده این خلقت تدریجی را مطرح کرده‌اند و به‌صورت تلویحی به این قانون اشاره کرده‌اند، مثلاً در بحث خلقت جنین وقتی به آیات قرآن و نظرات مفسرین در این زمینه نگاه می‌کنیم، این خلقت تدریجی را در طی ۹ ماه می‌بینیم، پس می‌توان گفت که در عالم ماده خداوند قانون تدریج و مرحله به مرحله بودن امور را قرار داده است و این قانون نه‌تنها در بحث خلقت که در امور دیگری که با عالم ماده ارتباط دارد، مثل بیان احکام الهی در مورد حرمت شراب یا بحث حجاب و پوشش برای زنان - وقتی در این موارد هم به آیات قرآن و مراحل نزول آیات دقت می‌کنیم - وجود دارد.

به نظر می‌رسد راز خلقت تدریجی آسمان و زمین در این است که عالم ماده براساس

قانون خلق شده است و این رعایت قانون می‌تواند باعث تدبر و تفکر در خلقت و هستی شود، وقتی انسان بداند که یک چیز قانون دارد و باید آن قانون رعایت شود تا آن چیز محقق شود، متوجه نظمی می‌گردد که در هستی و عالم ماده وجود دارد و این نظم انسان را وادار می‌کند در مورد خلقت و عالم ماده و اینکه همه چیز خالقی دارد، توجه و دقت نظر داشته باشد. می‌توان به نحوی تمام ادله‌ای را که برای تدریجی بودن خلقت مطرح شده است، در ذیل همین قانونمند بودن عالم ماده بیان کرد و نشان داد. پس بهتر است در مورد قانونمند بودن عالم ماده بیشتر تحقیق کنیم و اگر می‌خواهیم علت این تدریج را بفهمیم باید به بررسی این قانون در جهان ماده بپردازیم و آن را مورد بررسی قرار دهیم.

### نتیجه

با توجه به مطالب بیان شده در این فصل درباره خلقت آسمان و زمین، باید گفت که آسمانی که بالای سر و زمینی که زیر پای ما قرار دارد، دارای ماده‌های گازی شکل و بسیار فشرده است که حالت مذاب داشته و خداوند آسمان و زمین را از این ماده به وجود آورده و آن‌ها را به شکل کنونی‌شان خلق کرده تا جایگاهی برای زندگی انسان باشند که بنا به گفته خود قرآن اشرف مخلوقات است. البته در بحث خلقت آسمان و زمین، همان‌طور که اشاره شد، آیات به خلقت در طی مدت شش روز اشاره دارند، مفسرین درباره این عبارت اختلاف نظر دارند و هر کدام برای نظر خود دلیلی را بیان می‌کنند؛ عده‌ای «سته‌ایام» را به معنای شش روز از روزهای دنیا میدانند و بیان می‌کنند که خداوند آسمان و زمین را در شش روز که اول آن روز یکشنبه و آخر آن جمعه بوده خلق کرده و برای این نظر به روایاتی اشاره می‌کنند که از جهت سند مورد مناقشه است، بنابراین جایی برای بحث از آن باقی نمی‌ماند، اما عده‌ای از مفسرین «سته‌ایام» را به معنای شش هزار سال میدانند و بیان می‌کنند که مقصود این است که هر روز آن معادل هزار سال است یا آن را معادل روزهای آخرتی میدانند، برخی هم آن را از امور غیبی میدانند، اما آن چیزی که مورد نظر شیعه و مورد تأیید علمای متصل به اهل بیت علیهم‌السلام است، این است که مقصود از «سته‌ایام» شش

برهه، دوره و عصر است و در استدلال برای این مطلب بیان کردند که قبل از خلقت آسمان و زمین، خورشید و ماهی وجود نداشته که روز و شبی وجود داشته باشد و در بسیاری از آیات قرآن درباره معاد از لفظ یوم استفاده شده که بیانگر همان معنای دوره و برهه و عصر است، چون در مورد قیامت نمی توان روز را به معنای مادی آن دانست؛ بنابراین با توجه به بیانات قرآن که در موارد مختلف یوم را به دوره، برهه و عصر معنا کرده، می توان یوم را در اینجا نیز به همین معنا دانست.

مطلبی که در نظر بسیاری از مفسرین جالب توجه بود، این است که با توجه به اینکه خداوند قادر مطلق است و در بسیاری از آیات خود بیان می کند که اگر اراده چیزی را کند، آن را بیدرنگ به وجود می آورد، پس چرا آسمان و زمین را در شش دوره خلق کرد و یکدفعه آن را موجود نکرد؟ در جواب این سؤال مفسرین دلایل مختلفی را بیان کرده اند، از جمله اینکه خداوند با این کار خواست قدرت و علم خود را مطرح نماید و نشان دهد فاعلی که توانایی خلق یک باره هر چیزی را دارد، اگر بخواهد می تواند امور را تدریجاً به وجود بیاورد و به انسان ها یاد دهد که در امور عجله نکنند و با فکر و تأمل کارها را انجام دهند و برطبق روایات رسیده از ائمه معصومین راز خلقت تدریجی آسمان و زمین تفکر بشر در امور عالم است و اینکه این عالم تصادفی خلق نشده و همه چیز آن در هر جایی که قرار دارد، با تدبیر و حکمت است، پس انسان با تدبیر در خلقت این عالم می تواند به وجود خالق عالم پیبیرد و او اگر بخواهد می تواند در یک چشم برهم زدن همه را کن فیکون نماید.

همچنین دلیل دیگر آفرینش تدریجی آسمان و زمین و خلق آن در شش دوره این است که آفرینش مرتبه پذیر است و تا مرتبه قبل مهیا نشود، مرتبه بعد ایجاد نمی شود، این قانون عالم ماده است و همه جهان هستی طبق این قانون خلق شده اند و می توان گفت که تمام مواردی که به عنوان دلایل تدریجی بودن خلقت مطرح شده اند، به نحوی به این قانون بازمی گردند، چون تدبیر و تفکر در سایه قانونمند بودن به وجود می آید، تصادفی نبودن و قدرت و علم خداوند همه در پرتو همین قانونمندی خود را به بهترین شکل نشان می دهند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی)
- \* نهج البلاغه، شرح صبحی صالح.
۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ه.ق). *روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني*. گردآورنده: سناء بزيع شمس الدين و ابراهيم شمس الدين، محقق: علی عبدالباری عطیه، چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
  ۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ه.ق). *تفسير القرآن العظيم (ابن ابی حاتم)*. محقق: اسعد محمد طیب، چاپ سوم. ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
  ۳. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ ه.ق). *معجم مقاییس اللغة*. محقق / مصحح: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
  ۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ ه.ق). *تفسير القرآن العظيم (ابن کثیر)*. محقق: شمس الدین، محمد حسین، چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
  ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
  ۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ ه.ق). *روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن*. مصحح، ناصح، محمد مهدی، چاپ اول. مشهد مقدس، آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش های اسلامی.
  ۷. بغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۲۰ ه.ق). *تفسير البغوی المسمى معالم التنزيل*. محقق: مهدی، عبد الرزاق، چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربي.
  ۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ ه.ق). *انوار التنزيل و اسرار التأویل (تفسير بیضاوی)*. چاپ اول. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ه.ق). *غرر الحکم و درر الکلم*.  
مصحح: سید مهدی رجائی، چاپ دوم. قم: دار الکتب الاسلامی.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹). *تفسیر تسنیم*. محقق: روح الله رزقی، چاپ  
ششم. قم: انتشارات اسراء.
۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ ه.ق). *الصحاح: تاج اللغة وصحاح العربية*.  
محقق / مصحح: احمد عبد الغفور عطار، چاپ اول. بیروت: دار العلم للملایین.
۱۲. حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ ه.ق). *انوار درخشان در تفسیر قرآن*. محقق:  
محمدباقر بهبودی، چاپ اول. تهران: لطفی.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ه.ق). *تفسیر نورالثقلین*. مصحح: رسولی،  
هاشم، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ه.ق)، *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ  
اول. بیروت: دار القلم.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ه.ق)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل  
وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. ج ۲، چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. شبر، عبدالله، (۱۴۱۰ ه.ق)، *تفسیر القرآن الکریم*، چاپ دوم. قم: موسسه دار  
الهجرة.
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۳۶۱ ه.ش). *تفسیر القرآن الکریم* (صدرا).  
جلد ۴، مصحح: محمد خواجهوی، چاپ دوم. قم: بیدار.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ ه.ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم.  
بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ه.ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*.  
مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، چاپ سوم. تهران، ناصر خسرو.
۲۰. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ه.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (تفسیر  
طبری). چاپ اول. بیروت، دار المعرفة.

۲۱. طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. مصحح: عاملی، احمد حبیب، چاپ اول. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ ه.ق). *تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)*. چاپ سوم. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ه.ق). *کتاب العین*. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.
۲۴. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ ه.ق). *قاموس المحيط*. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۵. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۱۵ ه.ق). *تفسیر الصافی*. جلد ۲ و ۳، مصحح: اعلامی، حسین، چاپ دوم. تهران: مکتبة الصدر.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ ه.ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، چاپ دوم. قم: مؤسسه دار الهجرة.
۲۷. قرائتی، محسن، (۱۳۸۸ ه. ش). *تفسیر نور*. چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۸. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ ه.ش). *جامع لاحکام القرآن*. چاپ اول. تهران: ناصر خسرو.
۲۹. کاشانی، فتح الله بن شکر الله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. چاپ اول. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ه.ق). *الکافی*. محقق / مصحح: دارالحدیث، چاپ اول. قم: ناشر: دار الحدیث.
۳۱. مراغی، احمد مصطفی، (بی‌تا). *تفسیر المراغی*. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
۳۲. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ ه.ش). *التحقیق فی کلمات القرآن*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۳. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۸ ه.ش). *التمهید فی علوم القرآن*. قم: مؤسسه

فرهنگی انتشاراتی التمهید.

۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ه. ش). تفسیر نمونه. چاپ دهم. تهران: دارالکتب  
الإسلامية.

۳۵. میبدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ ه. ش). کشف الاسرار و عده الابرار. چاپ پنجم.  
تهران: امیرکبیر.